

رقابت، مالیات‌ستانی و ارتقای کیفی خصوصی سازی

vrostami@ut.ac.ir

ولی رستمی

دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

ayyamkamarkhani@ut.ac.ir

ایام کمرخانی

دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.

پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۰۸

دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۲۵

چکیده: سابقه مالکیت، مدیریت دولتی و ناکارآمدی حاصل از آن، عرصه پژوهش‌های علمی را برای چاره‌یابی گشود. اندیشمندان اقتصادی و سیاست‌گزاران معتقدند خصوصی‌سازی می‌تواند میزان این ناکارآمدی را کنترل و چه بسا معکوس گرداند. برخی با تحلیل نتایج خصوصی‌سازی مبتنی بر معیارهای کارایی و برابری در کشورهای مختلف شاهد نتایج مثبتی مانند خصوصی‌سازی در بازارهای رقابتی و نتایج منفی مانند خصوصی‌سازی در زیرساخت‌هایی نظیر آب بودند و برخی از اندیشمندان، آثار توزیعی خصوصی‌سازی را مبتنی بر معیار برابری مورد تحلیل قرار دادند. دسته سوم، با تحلیل خود خصوصی‌سازی به این پرسش پاسخ دادند که آیا خصوصی‌سازی به‌طور مستقل می‌تواند آثار مثبت یا منفی به بار آورد یا آثار منتسب به خصوصی‌سازی نتیجه مشترک خصوصی‌سازی و سایر سیاست‌های دولت است؟ در این پژوهش کوشش می‌گردد ابتدا با اتکا به پژوهش‌های سه گروه فوق و تفاوت‌های آنها، نخست خصوصی‌سازی کارآمد را در ارتباط با سیاست‌های دیگر، به‌خصوص سیاست ایجاد رقابت، ممکن دانست؛ دوم به تعامل مالیات‌ستانی و خصوصی‌سازی پرداخت که کمتر مورد توجه بوده است. به عبارت دیگر، نویسندگان مدعی هستند که ایجاد رقابت و ارتقای فرآیند مالیات‌ستانی از ذاتیات و غایات خصوصی‌سازی موفق است، اما انتقال مالکیت اموال دولتی به بخش خصوصی اثر کوتاه‌مدت خصوصی‌سازی است.

کلیدواژه‌ها: دلایل مالی خصوصی‌سازی، مالیات، شکست بازار، قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، سیاست رقابتی.
طبقه‌بندی JEL: L33, K21, K34.

مقدمه

تاریخ حاکی از آن است که مداخله دولت در اقتصاد، امری است با سابقه حداکثر ۳۵۰ ساله که حکایت از اصالت اقتصاد بازار آزاد تا پیش از شکل‌گیری دولت مدرن^۱ دارد. دولت‌های مدرن با فهم این مطلب که می‌توانند پول کاغذی منتشر کنند و از این بابت خلق اعتبار کنند با تصوره‌های ابتدایی علم اقتصاد آگاه شدند؛ سپس با درک این واقعیت که جمعیت بیشتر می‌تواند نیروی لازم برای ارتش‌سازی از یک سو و از سوی دیگر گسترش پایه مالیاتی باشد، مداخله خود را در اقتصاد و منابع تولید گسترش دادند. تا حدی این دیدگاه غلبه داشت که عده‌ای از دانشمندان، مدعی بودند که خلق دولت تنها برای حفاظت از حقوق و منافع سرمایه‌داران (طبقه بورژوازی) است (لاگلین، ۱۳۹۱)^۲. همچنین، در اواخر قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم، برخی از اقتصاددانان با اتکا به تئوری شکست بازار^۳، خواستار مداخله دولت در مواردی شدند که اقتصاد بازار آزاد ناکارآمد^۴ است (باقری، ۱۳۸۴).

علت مداخله دولت در اقتصاد هرچه باشد، در قرن بیستم اندیشمندان اقتصادی^۵، یعنی چند دهه بعد از جنگ جهانی دوم با وضعیتی روبه‌رو شدند که نشانگر حضور بسیار وسیع دولت در اقتصاد بود^۶ و مدعی آن شدند که ناکارآمدی اقتصاد، ریشه در حضور گسترده دولت در اقتصاد دارد (باتلر، ۱۳۹۱).

1. Modern State

۲. برای کسب اطلاع از دیدگاه‌های اقتصادی - تاریخی به منابع زیر رجوع گردد:

- ژید، شارل و ریست، شارل (۱۳۸۴). *تاریخ عقاید اقتصادی*. ترجمه کریم سنجابی. جلد ۱ و ۲. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- غفاری، هادی. (۱۳۸۳). *بررسی تطبیقی جایگاه و نقش دولت در نظام‌های اقتصادی*. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.

3. Market Failure

۴. موارد شکست بازار شامل: انحصارات، عوارض (آثار) جانبی، اطلاعات نامتقارن کالاها و خدمات عمومی است.
۵. مهمترین دسته از اقتصاددانان، اقتصاددانان حوزه اقتصاد سیاسی بودند که با آغاز قرن بیستم با تحولی که در تعریف اقتصاد سیاسی به عمل آمده بود، به این مسئله پرداختند که ارتباط دولت با اقتصاد چگونه باید باشد. برای کسب اطلاع بیشتر در این زمینه به منبع زیر رجوع گردد:

- کلارک، باری. (۱۳۸۸). *اقتصاد سیاسی تطبیقی*. ترجمه عباس حانمی. تهران: انتشارات کویر.

۶. برای اطلاع بیشتر از علل حضور گسترده دولت در اقتصاد قرن بیستم به منبع زیر رجوع گردد:

- چانگ، کلود وی. (۱۳۸۷). *خصوصی‌سازی و توسعه: نظریه، خط‌مشی و شواهد*. مترجم محمد صفار. تهران: انتشارات عترت‌نو.

این اقتصاددانان راه‌هایی تحت عنوان تعدیل اقتصادی عرضه کردند و تعدیل اقتصادی را بنا بر تعریف دارای مراحل سه‌گانه‌ای شامل تثبیت اقتصادی^۱، آزادسازی اقتصادی^۲، مقررات‌زدایی و خصوصی‌سازی^۳ دانستند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۷۹). در این پژوهش نیز تاکید بر فرآیند خصوصی‌سازی است، اما تذکر این نکته حایز اهمیت است که از این دیدگاه روند تعدیل اقتصادی مناسب ایران ممکن است به‌طور کامل از مراحل سه‌گانه فوق تبعیت نکند و استثناءهایی به همراه داشته باشد. چرا که فرآیند خصوصی‌سازی امری دفعی نیست، بلکه امری تدریجی است. از این رو می‌تواند در مقام نظر از لحاظ مفهومی با مفهوم عام تعدیل اقتصادی برابری معنایی داشته باشد.

غایت و هدف از نگارش مقاله حاضر در این واقعیت مستور است که خصوصی‌سازی با هدف ارتقای کارایی مورد استفاده دولت‌ها قرار می‌گیرد و همواره دغدغه‌های عدالت‌محورانه در ارتباط با آثار خصوصی‌سازی محل توجه بوده است (Kousadikar & Trivender-Kumar, 2013)؛ از این رو، راهکارهایی که کیفیت فرآیند خصوصی‌سازی را از بُعد کارایی و برابری ارتقاء دهد، حایز اهمیت خواهد بود. بنابراین، پژوهش حاضر کوشش نموده است تا در سه گفتار آثار رقابت و مالیات‌ستانی را بر مراحل سه‌گانه‌ای مورد بررسی قرار دهد که مورد توجه اقتصاددانان رفاه بوده است. این مراحل شامل: ۱. پیش از خصوصی‌سازی؛ ۲. در حین خصوصی‌سازی؛ و ۳. بعد از خصوصی‌سازی است (بیردزال و نلیس، ۱۳۸۹).

علت به‌کارگیری این مراحل سه‌گانه آن است که در مرحله اول ضرورت‌های خصوصی‌سازی که همان ارتقای کارایی و عدالت توزیعی^۴ است، در پرتو رقابت^۵ و مالیات‌ستانی توضیح داده شود. در مرحله دوم، می‌توان نقش بایسته‌های رقابت و مالیات‌ستانی را در ارتقای آشکال مختلف خصوصی‌سازی^۶ نشان داد و در نهایت در مرحله سوم، نقش تضمین‌کنندگی رقابت و مالیات‌ستانی را در عدم انحراف خصوصی‌سازی در نیل به اهداف^۷ آن بارزتر نمود. نکته آخر آنکه نظریه پشتیبان و توجیه‌کننده این

1. Stabilization
2. Liberalization
3. Deregulation & Privatization
4. Distributive Justice
5. Competition
6. Methods of Privatization

۷. برای کسب اطلاع از اهداف دولت‌ها از خصوصی‌سازی بنگرید به :

- Gupta, Nandini; Hamm, John C. & Svenjar, Jan (2008). Priorities and Sequencing in Privatization: Evidence from Czech Firm Panel Data. *European Economic Review*, (52), pp.183-208.

پژوهش، نظریه عدالت جان رالز^۱ است. نظریه عدالت جان رالز فیلسوف سیاسی قرن بیستم که در زمره نظریه‌های عدالت توزیعی قرار دارد آن است که چگونگی ساختارهای اجتماعی موثر در تحقق عدالت اجتماعی (عدالتی که محصور در رابطه دولت-ملت است) را مورد توجه قرار می‌دهد و چگونگی ساختار اقتصادی جامعه را بر اساس دو اصل به ظاهر متعارض برابری و آزادی ترسیم می‌کند (واعظی، ۱۳۸۳). خصوصی‌سازی نیز فرآیندی برای تعدیل ساختار اقتصادی جامعه است و اگر این فرآیند بخواهد توجیه‌پذیر باشد باید تامین‌کننده و مبتنی بر آزادی و برابری فرصت‌ها باشد. از این رو، نویسندگان مدعی هستند که خصوصی‌سازی در صورتی کارا و توجیه‌پذیر است که ایجادکننده رقابت و بهبودبخش فرآیند مالیات‌ستانی باشد، چرا که فضای رقابت و فرآیند مالیات‌ستانی سالم تحقق‌بخش فرصت‌های برابر و آزادی فعالین اقتصادی خواهد بود. اما پیش از هر چیز تبیین برخی از مفاهیم به کار رفته در این پژوهش اهمیت دارد.

الف. رقابت: منظور از رقابت، سیاست رقابتی دولت برای رقابتی‌شدن و حفظ رقابت در بازارهای قابل رقابت^۲ است. سیاست رقابتی دولت هم مشتمل بر حقوق رقابت و الزام‌های آن است. استدلال اصلی پژوهش حاضر بر آن است که سیاست خصوصی‌سازی بدون یک سیاست رقابتی کارآمد و متناسب با شرایط اقتصادی^۳ محکوم به شکست در حوزه‌های مهمی نظیر کارایی و عدالت توزیعی خواهد بود.

ب. مالیات‌ستانی: مالیات پرداختی بلاعوض از جانب مودیان مالیاتی که تابع اصولی نظیر قانونی، عادلانه و شفاف بودن است^۴ و فارغ از این اصول مالیات‌ستانی دارای اهدافی نظیر عدالت توزیعی است. اما

1. John Bordley Rawls

۲. برخلاف تصور رایج که بازارهای رقابتی را منصرف از بازارهای انحصار طبیعی و قانونی می‌دانند، امروزه تلاش زیادی در برخی از کشورها صورت گرفته است تا رقابت به بازارهای سنتی انحصاری (انحصارات طبیعی) تزریق گردد. در این زمینه به منبع زیر مراجعه گردد:

- صادقی‌بارندی، سیفاله و طارم‌سری، مسعود (۱۳۸۵). فرهنگ توصیفی اصطلاحات تجارت بین‌الملل و سازمان جهانی تجارت. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

۳. در این زمینه به منبع زیر مراجعه گردد:

- کمرخانی، ایام. (۱۳۹۲). مسئولیت دولت در حقوق رقابت داخلی و بین‌المللی. پایان‌نامه کارشناسی/رشد رشد حقوق تجاری اقتصادی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

۴. در این زمینه برای کسب اطلاع بیشتر به منبع زیر مراجعه گردد:

- رستمی، ولی (۱۳۹۵). مالیه عمومی. چاپ چهارم. انتشارات میزان.

مالیات‌ستانی در ارتباط با خصوصی‌سازی، دلالت بر این دارد که خصوصی‌سازی نباید محملی برای کسب ثروت‌های بادآورده و بیشتر شدن نابرابری‌های اقتصادی- اجتماعی از یک سو و از سوی دیگر بی‌توجهی به عواید بلندمدت خصوصی‌سازی که همان عواید مالیاتی است، گردد.

ج. اشکال خصوصی‌سازی: خصوصی‌سازی دارای اشکال متعددی است (سلیمانی‌سده‌هی و داورزنی، ۱۳۸۹؛ مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۲)، اما در این پژوهش دو گونه خصوصی‌سازی همراه با واگذاری مالکیت و خصوصی‌سازی بدون واگذاری مالکیت^۱ مورد تحلیل قرار می‌گیرد. علت تحدید قلمرو این پژوهش به این دو گونه از خصوصی‌سازی، تاثیر متقابل مالکیت دولتی در مالیات‌ستانی و رقابت است.

مرحله پیش از خصوصی‌سازی و وضعیت رقابت و مالیات‌ستانی

به‌طور اساسی پیش از هر اقدام اصلاحی، درک واقعیت‌های موجود و پذیرش معایب و ناکارآمدی‌ها ذهن فرد اصلاحگر را به مجموعه‌ای از اهداف و آمال رهنمون می‌سازد که در بحث حاضر این اهداف، همان اهداف خصوصی‌سازی است. ارتقای رقابت و شفافیت، تعدیل اجتماعی، تعدیل مقررات، گسترش بازار سرمایه، رهاسازی بودجه عمومی از یارانه‌های پرداختی به شرکت‌ها و موسسه‌های دولتی، حمایت از حقوق مصرف‌کننده نمونه‌هایی از اهداف خصوصی‌سازی است که می‌توان به‌طور خلاصه آنها را در ارتقای کارایی و عدالت توزیعی خلاصه کرد.

۱. مهمترین روش‌های مربوط به خصوصی‌سازی همراه با واگذاری مالکیت شامل: الف. عرضه سهام واحدهای دولتی به عموم مردم؛ ب. عرضه سهام شرکت‌های دولتی به‌صورت جزئی و کلی به بخش خصوصی؛ ج. فروش دارایی‌های شرکت‌ها یا موسسه‌های دولتی به بخش خصوصی؛ د. تجدید سازمان یا تجزیه واحدهای بزرگ دولتی به واحدهای جزئی؛ ه. سرمایه‌گذاری جدید بخش خصوصی در واحدهای دولتی؛ و. فروش واحدهای دولتی به مدیریت و کارکنان؛ ز. توزیع مجانی یا ارزان قیمت سهام. مهمترین روش‌های خصوصی‌سازی بدون واگذاری مالکیت شامل: الف. پیمان مدیریت؛ ب. قرارداد خدماتی؛ و ج. قرارداد اجاره است.

- کابلی‌زاده، احمد. (۱۳۸۴). *خصوصی‌سازی مردمی: کارایی همراه با عدالت*. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- گزارش بانک جهانی. (۱۳۸۲). *رهنمودهای حقوقی برای برنامه خصوصی‌سازی*. مترجم یوسف جمسی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- Blalock, T.; Schiffberg, B. & Whitehead, Ch. (2012). *Methods of Privatization: Privatization in State Parks, Hospitals, and Prisons*. Presented to the Grafton County Commission, PRS Policy Brief 111-217, June 22.

اینکه اهداف خصوصی سازی چه اهمیتی دارد، بدیهی است (Arakelyan, 2005)، اما اینکه برای رسیدن به آن اهداف چه باید کرد محل پرسش است. پاسخ پژوهش حاضر و بسیاری دیگری از پژوهش‌ها به این پرسش، پیگیری سیاست خصوصی سازی است. اما پژوهشگر معتقد است که تقدم رقابت و مالیات‌ستانی (به‌عنوان معیاری مهم از دولت تنظیمی^۱) بر خصوصی سازی امری است که باید به آن توجه جدی گردد. اما چرا توجه به این دو عامل پیش از آغاز فرآیند خصوصی سازی از اهمیت برخوردار است؟ پاسخ این پرسش را در قالب چند نکته می‌توان بیان نمود.

الف. خصوصی سازی بدون اینکه رقابت آغاز شده باشد، منجر به مسایلی از قرار زیر می‌گردد:

۱. در صورتی که واحد واگذار شده دارای قدرت انحصاری باشد، انحصار دولتی به انحصار خصوصی تبدیل و از این طریق سود بادآورده‌ای نصیب بخش خصوصی می‌گردد و امیدی به آن نمی‌رود که بخش خصوصی انحصارگر در راستای منافع عمومی فعالیت کنند، چرا که می‌توان در فقدان رقابت کافی استنباط کرد که امکان نظارت و تنظیم‌گری قوی بر آن وجود ندارد یا انحصارگر خصوصی با اعمال نفوذ که هزینه‌بردار است، بنگاه انحصاری را تملک کرده و بنگاه را به‌دست آورده است و در راستای جبران کردن هزینه‌هایش اقدام به بهره‌برداری از شرایط انحصاری می‌کند.

۲. فقدان انگیزه کافی در بخش خصوصی سالم برای ورود گسترده در فرآیند خصوصی سازی، چرا که بخش خصوصی سالم حیات خود را در محیطی ترسیم می‌کند که رقابت عنصر جدایی‌ناپذیر آن است.

۳. کاهش کارایی، چرا که به بیان جوزف استیگلیتز^۲ «تبدیل انحصار دولتی به انحصار خصوصی به قیمت‌های بالاتر و نه کمتر، کارایی کلی اقتصادی کمتر و نه بیشتر منجر می‌گردد» (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۷۸).

۴. فقدان انگیزه کافی در بخش خصوصی برای تامین کالاها و خدمات عمومی و برآوردن مسئولیت اجتماعی‌شان.

۵. بعد از خصوصی سازی و به‌طور عمومی اعطای بنگاه‌های سودآور و رقابت‌پذیر به گروه‌های ذی‌نفوذ، تمایل به مقررات‌زدایی (به‌مثابه یکی از مراحل میانی خصوصی سازی) و در نتیجه ارتقای رقابت را کاهش می‌دهد و عواید خصوصی سازی که از خلال رقابت می‌گذرد، به‌دست نمی‌آید.

ب. انجام خصوصی سازی با این تصور صورت می‌گیرد که بعد از خصوصی سازی دولت با اخذ

1. Regulatory State
2. Joseph Eugene Stiglitz

مالیات از بخش خصوصی و اعمال نظارت و تنظیم‌گری، می‌تواند نه تنها وظایف اجتماعی خود را محقق کند؛ بلکه از انحراف اقتصاد جلوگیری به‌عمل آورد. اما این تصور باید تعدیل گردد:

۱. تا پیش از خصوصی‌سازی، دولت تسلط قابل توجهی بر اقتصاد دارد، اما بعد از خصوصی‌سازی و ورود فعالین خصوصی این تسلط کاهش یا از بین می‌رود. چگونه می‌توان انتظار داشت که بعد از این اتفاق و محقق نشدن ابزارهای تنظیمی و نظارتی دولت پیش از خصوصی‌سازی، ابزارهای بعد از خصوصی‌سازی مهیا گردد؟ به‌طور قطع بخش خصوصی و گروه‌های ذی‌نفع پس از خصوصی‌سازی توان بیشتری برای مقابله با اقدام‌های دولت دارند.

۲. مالیات‌ستانی امری است که اجرایی شدن آن به دسترسی داشتن به بانک‌های اطلاعاتی وابسته است و ایجاد و دسترسی یافتن به بانک‌های اطلاعاتی پیش از خصوصی‌سازی به علت حضور گسترده دولت در اقتصاد برای دولت کم هزینه‌تر است. حال چرا بایستی تحقق این اهداف را به بعد از خصوصی‌سازی واگذار نمود؟

ج. فقدان رقابت پیش از خصوصی‌سازی و ایجاد نشدن ابزارهای نظارتی لازم، می‌تواند مانع جدی بر سر راه خصوصی‌سازی مطلوب از یک‌سو و از سوی دیگر موجب شکل‌گیری موج عظیمی از فرار و اجتناب مالیاتی بعد از خصوصی‌سازی شود (کمرخانی، ۱۳۹۲).

رویداد خصوصی‌سازی و بایسته‌های رقابت و مالیات‌ستانی

ورود به این مرحله می‌تواند با لحاظ کردن بایسته‌های مرحله پیشین باشد یا نباشد. از این رو، رویداد خصوصی‌سازی را باید به گونه‌ای مدنظر قرار داد که ارتباط اندکی با مرحله پیشین داشته باشد. بنابراین، در دو قالب عمده خصوصی‌سازی که در مقدمه ذکر شد، به این مسئله پرداخت خواهد شد که تاثیر متقابل هر کدام از اشکال عمده خصوصی‌سازی (یعنی خصوصی‌سازی همراه با واگذاری مالکیت و خصوصی‌سازی بدون واگذاری مالکیت) بر رقابت و مالیات‌ستانی چیست؟ به عبارت دیگر، منظور این است که واگذاری و عدم واگذاری مالکیت چه تاثیری بر رقابت و مالیات‌ستانی دارد؟ اما پیش از اینکه به این مسئله پرداخته شود، لازم به یادآوری است که دارایی خصوصی‌سازی شده در واقع متعلق به عموم مردم یا همان مالیات‌دهندگان است و دولت به نمایندگی از مردم عواید حاصل از خصوصی‌سازی را در اختیار دارد، اما توازن عواید دریافتی با دارایی‌های واگذار شده برای مردم حایز اهمیت است؛ چرا که از یک‌سو، با واگذاری این اموال به بخش خصوصی، توان دولت برای ایفای وظایف اجتماعی‌اش که ذی‌نفع اصلی آنها مردم و مودیان مالیاتی است کاهش می‌یابد و از سوی دیگر، در این

باب که اموال دولتی به چه کسی و با چه کیفیتی منتقل می‌شود، برای مودیان مالیاتی و مردم ایجاد ذی‌نفعی می‌کند؛ چرا که اگر این اموال به بخش خصوصی توانمند واگذار شود، عواید مالیاتی دولت افزایش می‌یابد و توان خدمت‌رسانی دولت به مردم نیز افزایش می‌یابد و در نهایت کارایی کل جامعه ارتقا می‌یابد (بیردزال و نلیس، ۱۳۸۹).

- تاثیر متقابل خصوصی‌سازی همراه با واگذاری مالکیت بر رقابت و مالیات‌ستانی

پژوهشگرها در اینکه واگذاری مالکیت (و مدیریت) واحدهای اقتصادی دولتی به بخش خصوصی، به تنهایی و به‌طور مستقیم منجر به ارتقای کارایی می‌گردد، تردید دارند و بر این اعتقادند که باید سیاست رقابتی متناسب و نظارت‌های تنظیمی دولت در میان باشد تا خصوصی‌سازی منجر به ارتقای کارایی و عدالت توزیعی گردد (سلیمانی‌سدهی و داورزی، ۱۳۸۹).

همچنین نوع و میزان واگذاری مالکیت به دلیل اینکه به‌طور عموم موجب گسترش پایه مالیاتی می‌گردد، می‌تواند عواید مالیاتی دولت و ارتقای فرهنگ مالیاتی را به‌همراه داشته باشد. به‌طور مثال واگذاری از طریق بورس نه تنها شفافیت مالیاتی و گسترش بازارهای سرمایه را به‌همراه دارد، بلکه می‌تواند در ارتقای فرهنگ مالیاتی موثر باشد یا واگذاری سهام شرکت‌های دولتی به عموم مردم و در عوض اخذ اطلاعاتی مالی از آنها می‌تواند به بهبود بانک‌های اطلاعاتی مالیاتی کمک کند.

نکته دیگر آن است که فرآیند خصوصی‌سازی مشمول مالیات هست یا خیر و آیا مقررات حقوق رقابت در این زمینه بیانی دارد؟ در پاسخ به پرسش اول باید خاطر نشان ساخت که در تبصره ۱ ماده ۱۹ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «نقل و انتقال سهام، سهم‌الشرکه، حقوق مالکانه و حق تقدم بنگاه‌های مشمول واگذاری در فرآیند تجزیه، ادغام، تحصیل و انحلال تا زمانی که بنگاه دولتی بوده و واگذار نشده باشد، از پرداخت مالیات نقل و انتقال معاف است. بنگاه‌هایی که در اجرا این قانون واگذار می‌گردند یا بین دستگاه‌های اجرایی نقل و انتقال می‌یابند تا زمان واگذاری نیز از شمول مالیات نقل و انتقال معاف هستند. همچنین انتقال سهام به شرکت‌های تامین سرمایه که ناشی از تعهد پذیرهنویسی باشد از مالیات نقل و انتقال معاف است».

در پاسخ به پرسش دوم می‌توان به‌طور اجمال به مقررات قانون برگزاری مناقصات، قانون بورس اوراق بهادار، مقررات فصول پنجم (فرآیند واگذاری بنگاه‌های دولتی) و نهم (تسهیل رقابت و منع انحصار) قانون اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی اشاره کرد. این مقررات لحاظ کردن فرآیندی رقابتی را برای امر واگذاری در نظر گرفته است.

- تاثیر متقابل خصوصی‌سازی بدون واگذاری مالکیت، رقابت و مالیات‌ستانی

بر خلاف حالت قبل در این حالت دولت قصد دارد تا با در اختیار گرفتن خدمات و توان بخش خصوصی در زمینه مدیریتی و ارائه خدمات بر میزان کارایی در بخش دولتی بیافزاید. به واقع راه‌های عمده این نوع از خصوصی‌سازی شامل قرارداد پیمان، خرید خدمات و قرارداد اجاره است که در ادامه مقاله حاضر، قرارداد پیمان و اجاره به اختصار در ارتباط با مالیات‌ستانی و رقابت تحلیل می‌گردد.

۱. قرارداد پیمان: در این نوع از خصوصی‌سازی، بخش دولتی از خدمات مدیریتی بخش خصوصی برای ارتقای سطح کیفی مدیریت واحدهای دولتی بهره‌برداری می‌کند. در بخش خصوصی، ناکارآمدی مدیران شرکت‌ها به طرق مختلفی اعم از داخلی (مانند نظارت شرکت) و خارجی (مانند خطر ادغام و تصاحب غیردوستانه^۱) مورد نظارت قرار می‌گیرد، اما در بخش دولتی وجود بروکراسی ریشه‌دار امکان نظارت قوی داخلی را محدود می‌کند و از سوی دیگر ممنوعیت فروش شرکت‌های دولتی در غیاب سیاست خصوصی‌سازی امکان نظارت خارجی را از بین می‌برد. بنابراین بهره‌گیری بخش دولتی از قرارداد پیمان که نوعی نظارت داخلی است با مشکل روبه‌رو می‌گردد؛ چرا که ارتقای رقابت بین مدیران دولتی در راستای حفظ پست مدیریتی خود می‌تواند آثار متضادی بسته به نوع واکنش مدیران داشته باشد. مدیران یا به روابط خود در بروکراسی ریشه‌دار پشت خواهند بست یا مبادرت به ارتقای سطح کارایی خود خواهند کرد. بنابراین، بهره‌گیری از قرارداد پیمان در نظام‌هایی که سطح بالایی از فساد را در خود تجربه کرده است، آینده‌چندانی ندارد (مجله، ۱۳۸۲). لازم به یادآوری است که در این حالت، مالیات‌ستانی موضوعیت چندانی ندارد، چرا که به‌طور اصولی بنگاه‌های دولتی ممکن است از پرداخت مالیات معاف باشند^۲.

۲. قرارداد اجاره: در قرارداد اجاره ریسک تجاری بهره‌برداری از واحد دولتی برای مدت معین در ازای پرداخت مال‌الاجاره معلوم به بخش خصوصی واگذار می‌گردد و امکان اخذ مالیات و تصور وجود

۱. منظور از این نوع ادغام و تصاحب، حالتی است که بنابر برآوردهای رقبا، ضعف مدیریتی منجر به عدم کارایی بنگاه شده است، بنابراین بنگاه توسط رقبا در بازار سهام خریداری می‌کند به امید اینکه با تغییر مدیران شرکت بتوان کارایی و سودآوری شرکت را ارتقا دهد.

۲. قرارداد پیمان بیشتر با این منظور صورت می‌گیرد که مقدمات واگذاری واحد دولتی به بخش خصوصی فراهم گردد. جهت اطلاعات بیشتر به منبع زیر مراجعه گردد:

- کابلی‌زاده، احمد. (۱۳۸۴). خصوصی‌سازی مردمی، کارایی همراه با عدالت. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران.

رقابت فراهم است. نمونه بارز این مورد را می‌توان در مورد شرکت پتروناس^۱ مالزی دید که علاوه بر ارتقای سطح رقابت‌پذیری خود با بهره‌گیری از استقلال مالی مستور در این نوع خصوصی‌سازی توانسته است کارایی، سطح سرمایه‌گذاری و در نتیجه میزان مالیاتی پرداخت خود به دولت مالزی را افزایش دهد (ابراهیمی، ۱۳۹۱). از این طریق، می‌توان بر عوارض بروکراسی غلبه کرد، درحالی‌که هم‌زمان که مالکیت دولتی برقرار است، کارایی، رقابت و گسترش عواید مالیاتی محقق می‌گردد.

مرحله بعد از خصوصی‌سازی و ره‌آوردهای رقابتی و مالیاتی آن

اینک که خصوصی‌سازی واقع شده است، باید در وهله اول نشان‌دهنده آن باشد که در تحقق اهدافش به چه میزان موفق بوده است و دوم اگر ناکارآمد بوده است، تا چه میزان تاب برخوردارهای احتمالی از جانب سیاست‌های رقابتی و مالیاتی را دارد. خصوصی‌سازی به‌طور اساسی این هدف را دنبال می‌کند که اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار آزاد مبدل گردد. اما خصوصی‌سازی به‌طور عمده دارای اهداف خاصی در ارتباط با مالیات و رقابت است که در زیر به آنها اشاره شده است:

۱. کاهش یارانه پرداختی به شرکت‌ها و موسسه‌های دولتی؛ ۲. تحصیل عواید بلندمدت مالیاتی؛ ۳. شفافیت اطلاعاتی و ۴. بهبود فضای کسب‌وکار.

لازم به ذکر است که یارانه اعطایی از جانب دولت به موسسه‌ها و شرکت‌های دولتی دو دلیل عمده دارد. دلیل اول ناشی از ناکارآمدی شرکت و موسسه دولتی است، ولی دلیل دوم ناشی از وظایف اجتماعی و عدالت‌محورانه موسسه و شرکت دولتی است و به‌طور لزوم حاکی از ناکارآمدی واحد دولتی نیست. بنابراین تفکیک، قطع یارانه‌های پرداختی از جانب دولت به موسسه و شرکت دولتی تنها در حالت اول قابل تصور است و حتی در صورتی که بنگاه دولتی دارای وظایف اجتماعی به بخش خصوصی منتقل گردد، احتمال اینکه یارانه (در واقع مابه‌التفاوت) به این بنگاه‌ها همچنان پرداخت گردد، هست، مشروط بر اینکه در زمان واگذاری استمرار وظایف اجتماعی تصریح گردد.

مالیات عایدی اصلی خصوصی‌سازی است، چرا که تحصیل مالیات منوط به تحقق اهداف دیگر خصوصی‌سازی یعنی بهبود فضای کسب‌وکار، ارتقای کارایی، شفافیت اطلاعات و غیره است و بدون نیل به این اهداف مالیات‌ستانی مطلوب قابل تصور نیست (مگینسون، ۱۳۸۸) بعد از خصوصی‌سازی، دولت به‌عنوان ناظر و نه متصدی در بازار به فعالیت می‌پردازد و در اختیار داشتن ابزارهای نظارتی و تنظیمی لازم که ریشه در مرحله پیش‌خصوصی‌سازی دارد، اهمیت می‌یابد.

مالیات‌ستانی و رقابت نه تنها اهداف خصوصی‌سازی هستند، بلکه ضامن منحرف‌نشدن فرآیند خصوصی‌سازی هستند. چرا که خصوصی‌سازی در نهایت در یک بازه زمانی خاتمه می‌یابد، اما صیانت از دستاوردهای آن در گرو سیاست‌های مالیاتی و رقابتی شایسته است. مالیات می‌تواند هم به ارتقای کیفیت فرآیند خصوصی‌سازی کمک کند و هم آثار خصوصی‌سازی را تعدیل نماید و رضایت‌مندی از خصوصی‌سازی را ارتقاء بخشد (بیردزال و نیلس، ۱۳۸۹).

نکته دیگری که باید مدنظر قرار گیرد این واقعیت است که خصوصی‌سازی می‌تواند بازده سرمایه و دارایی‌های افراد را دستخوش تغییر قرار دهد و نوعی مالیات ضمنی به صاحبان سرمایه یا نیروی کار تحمیل کند. از این رو، توجه به آثار شبه مالیاتی خصوصی‌سازی از اهمیت برخوردار است و صرف مالیات‌های تحصیل شده را نباید ملاک قرار داد، بلکه هزینه‌هایی که بر ذی‌نفعان وارد شده است باید لحاظ گردد. چرا که ارتباط مستقیمی بین این هزینه‌ها و برابری (عدالت) اقتصادی برقرار است. فضای سیاسی و اقتصادی بعد خصوصی‌سازی (Cavaliere & Scabrosetti, 2006) که امکان و اراده نظارت و تنظیم‌گری دولت را به‌طور شدید تحت تاثیر قرار می‌دهد، باید مورد توجه جدی قرار گیرد و مقابله با فساد اداری- اقتصادی در ارتباط با مالیات‌ستانی اهمیت می‌یابد. چرا که حصول مقدمات مالیات‌ستانی مطلوب نظیر شفافیت اطلاعاتی، نظارت کارآمد و ارتقای فرهنگ مالیاتی که حساسیت اذهان عمومی را در پی دارد، اول انگیزه فعالیت‌های غیرقانونی را کاهش می‌دهد و دوم هزینه فعالیت‌های مشکوک را برای عاملین آنها گزاف می‌نماید.

بعد از خصوصی‌سازی به‌دلیل واگذاری بیشتر فعالیت‌های اقتصادی به بخش خصوصی، برای دولت انگیزه‌ای مبنی بر اعطای امتیازی به یک کدام از فعالین اقتصادی و تبعیض قایل شدن وجود ندارد. بنابراین امکان اعمال مطلوب، کم هزینه و بدون تبعیض مقررات رقابتی و اخذ مالیات فراهم است. برای مثال اخذ مالیات کامل از یک فعال اقتصادی - ولی اعطای تخفیف مالیاتی به رقیب همان فعال اقتصادی - می‌تواند توانایی رقابتی آنها را نامتعادل گرداند. از این رو، بعد از خصوصی‌سازی به‌دلیل اینکه ذی‌نفعان جدی برای رعایت دقیق مقررات و قوانین وجود دارند، سطح حاکمیت قانون، قانون‌گرایی و فرهنگ مالیاتی ارتقاء می‌یابد.

نکته‌ی دیگری که لازم به یادآوری است، اخذ مالیات از شرکت‌ها و موسسه‌های دولتی است که هنوز خصوصی نشده‌اند. این موسسه‌های دولتی به‌طور اساسی با دو گونه وضعیت ممکن روبه‌رو هستند. حالت اول معافیت مالیاتی یا تخفیف مالیاتی است. حالت دوم وضع مالیات مشابه سایر فعالین اقتصادی از بخش خصوصی است.

در وضعیت اول، از آنجایی که وجود این شرکت‌ها و موسسه‌ها دلیل خاصی نظیر تعقیب اهداف اجتماعی داشته است، بنابراین می‌توان مدعی بود که اعطای معافیت‌های مالیاتی مذکور نه تنها بر طبق موازین حقوق رقابت ناعادلانه و تبعیض‌آمیز نیست، بلکه به دلیل دارا بودن توجیه، می‌توان مدعی بود که حفظ مالکیت دولتی شرکت یا موسسه دولتی منتفع از معافیت‌های مالیاتی در تناسب با معافیت‌های اعطایی است.^۱

در وضعیت دوم که از بنگاه دولتی مالیات اخذ می‌گردد، می‌توان ادعا کرد که حفظ مالکیت دولتی آن بنگاه به طور اساسی ضرورتی نداشته است یا برای حفظ تساوی ایادی بین موسسه‌های دولتی و خصوصی مالیات وضع شده است تا بدین طریق رقابت موسسه‌های دولتی با خصوصی مخدوش نگردد (کمرخانی، ۱۳۹۲). در این راستا ماده ۸ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هرامتیزی که برای بنگاه‌های دولتی با فعالیت اقتصادی گروه یک و دو این قانون (موارد مشمول واگذاری و خصوصی‌سازی) مقرر می‌گردد (از جمله امتیاز معافیت مالیاتی)، به‌طور عینی و

۱. مالیات و یارانه می‌تواند در راستای تحت تاثیر قرار دادن انگیزه و رفتار بنگاه‌های خصوصی به‌کار آید. دلایلی که می‌توان برای این امر بر شمرده عبارتند از:

۱. برای پاسخگویی به کاستی‌های بازار. بارزترین مثال برای این امر اعطای یارانه برای آموزش و پرورش، نوآوری‌ها، محصولات سازگار با محیط‌زیست و وضع مالیات بر آلاینده‌های زیست‌محیطی است؛

۲. برای پاسخگویی به مشکلات و بحران‌های اقتصادی مقطعی. یارانه‌ها ممکن است در بحران‌های اقتصادی به‌منظور جلوگیری از سقوط بنگاه‌های خصوصی به‌کار آید، به‌خصوص زمانی که تاثیر این چنین سقوطی بر کل اقتصاد بسیار زیاد است و دارای ریسک نظام‌مند (Systemic Risk) بالایی هستند. البته اعطای یارانه زمانی که بنگاه اقتصادی در شرایط بحرانی نیست اما به‌طور موقت امکان دسترسی به منابع مالی را ندارد، قابل تصور است؛

۳. برای دستیابی به اهداف عام اجتماعی. حکومت‌ها ممکن است به مناطق کمتر توسعه‌یافته، گروه‌های خاص و غیره به دلایل گوناگون اجتماعی، یارانه پرداخت کنند و از طریق وضع مالیات عدالت توزیعی را تعقیب نمایند.

به‌طور معمول، مالیات به‌دلیل عام‌الشمول و جامع بودن آن تاثیر اندکی بر رقابت دارد، اما اگر مالیات بر کالا یا بنگاه خاصی به‌طور اختصاصی وضع گردد، ممکن است دارای آثاری باشد که فرآیند رقابت را تحت تاثیر قرار دهد. اما اعطای یارانه‌ها تاثیر بیشتری بر فرآیند رقابت دارند چرا که معمولاً یارانه‌ها به‌طور خاص‌الشمول به بنگاه‌های خاص پرداخت می‌شود. با این حال، اعطای یارانه نیازمند اثبات این امر است که آثار مثبت اعطای یارانه، آثار منفی‌ای که اعطای یارانه بر رقابت دارد، پوشش می‌دهد.

با اولویت برای بنگاه یا فعالیت اقتصادی مشابه در بخش خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی باید در نظر گرفته شود». تبصره این ماده دولت را مکلف نموده است که ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون کلیه امتیازات موجود موضوع این ماده را لغو کند یا تعمیم دهد. به‌علاوه می‌توان به ماده ۴۳ قانون مذکور اشاره کرد که مقرر می‌دارد: «تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی بخش‌های عمومی، دولتی، تعاونی و خصوصی مشمول مواد این فصل (تسهیل رقابت و منع انحصار) اصطلاحاً قانون رقابت ایران)) هستند». روح این ماده هرگونه تبعیض بین بنگاه‌های اقتصادی اعم از دولتی و خصوصی را به هر طریق اعم از طرق مالیاتی و غیر آن نفی می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب گفته شده، می‌توان نتایج و پیشنهادهای زیر را احصا نمود: خصوصی‌سازی نمی‌تواند به تنهایی آثار مستقیمی بر ارتقای کارایی و برابری اقتصادی داشته باشد، بلکه بهبود این دو معیار در گرو سیاست‌های دیگری نظیر سیاست رقابتی و مالیاتی، مقررات‌زدایی و غیره است. برای مثال می‌توان به تبصره ۱ ماده ۱۹ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی اشاره کرد که با هدف کاهش هزینه معاملاتی مربوط به امر واگذاری، کیفیت واگذاری را ارتقاء داده است و مقرر می‌دارد: «نقل و انتقال سهام، سهم‌الشرکه، حقوق مالکانه و حق تقدم بنگاه‌های مشمول واگذاری در فرآیند تجزیه، ادغام، تحصیل و انحلال تا زمانی که بنگاه دولتی بوده و واگذار نشده باشد از پرداخت مالیات نقل و انتقال معاف است. بنگاه‌هایی که در اجرای این قانون واگذار می‌شوند یا بین دستگاه‌هایی اجرایی نقل و انتقال می‌یابند تا زمان واگذاری نیز از شمول مالیات نقل و انتقال معاف هستند. همچنین انتقال سهام به شرکت‌های تامین سرمایه که ناشی از تعهد پذیرهنویسی باشد از مالیات نقل و انتقال معاف است».

ذینفع بودن مودیان مالیاتی در چگونگی واگذاری اموال دولتی دارای دو وجه عمده است: ابتدا اینکه عواید حاصل از فروش این دارایی‌ها باید مابه‌ازای متناسبی با دارایی‌های واگذار شده به اضافه هزینه فرصت از دست رفته باشد. در نهایت اینکه بهره‌برداری کارا از دارایی‌های واگذار شده توسط بخش خصوصی موجب ازدیاد عواید مالیاتی بلندمدت دولت و در نتیجه بهبود شرایط اقتصادی مودیان مالیاتی است. بنابراین، نباید با این تصور به واگذاری پرداخته شود که به هر طریق ممکن و زیر قیمت واگذاری‌ها صورت گیرد، بلکه اگر لازم شد برای اینکه واگذاری توجیه اقتصادی داشته باشد از جانب دولت اقدام‌های مقدماتی در این راستا صورت گیرد تا منافع مودیان مالیاتی به‌عنوان بخش عظیمی از ذینفعان لحاظ گردد.

بعد از خصوصی‌سازی، تساوی یادی رقبای اقتصادی اعم از دولتی و خصوصی ایجاد می‌کند که

اصولا مالیات بر تمام آنها یکسان وضع گردد و اعطای معافیت‌های مالیاتی به هر نحو دارای توجیه منطقی باشد و به صرف دولتی بودن این معافیت‌ها صورت نپذیرد؛ چرا که این امر به واقع نقض قرض تعدیل اقتصادی (خصوصی‌سازی) انجام گرفته است. در این راستا ماده ۸ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هر امتیازی که برای بنگاه‌های دولتی با فعالیت اقتصادی گروه یک و دو این قانون (موارد مشمول واگذاری و خصوصی‌سازی) مقرر می‌شود (از جمله امتیاز معافیت مالیاتی)، عینا و با اولویت برای بنگاه یا فعالیت اقتصادی مشابه در بخش خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی باید در نظر گرفته شود». تبصره این ماده دولت را مکلف نموده است که ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون کلیه امتیازهای موجود موضوع این ماده را لغو کند یا تعمیم دهد. به علاوه می‌توان به ماده ۴۳ قانون مزبور اشاره کرد که مقرر می‌دارد: «تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی بخش‌های عمومی، دولتی، تعاونی و خصوصی مشمول مواد این فصل (تسهیل رقابت و منع انحصار (اصطلاحاً قانون رقابت ایران)) هستند». روح این ماده نیز هر گونه تبعیض بین بنگاه‌های اقتصادی دولتی و خصوصی را به هر طریق اعم از طرق مالیاتی و غیر آن منتفی می‌نماید.

منابع

الف) فارسی

- ابراهیمی، سیدنصرالله. (۱۳۹۱). *تقریرات درس حقوق انرژی*، مقطع کارشناسی ارشد حقوق تجاری اقتصادی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- باتلر، ایمون. (۱۳۹۱). *مقدمه‌ای بر انتخاب عمومی*. مترجم بردیا گرشاسبی. انتشارات سارگل. صص ۲۲-۲۵.
- باقری، محمود. (۱۳۸۴). *اقتصاد مبتنی بر بازار و کاستی‌های حقوق خصوصی*. مجله پژوهش حقوق و سیاست دانشگاه علامه طباطبائی، جلد ۱، شماره ۲۰، صص ۴۱-۸۸.
- بیردزال، نانسو و نلیس، جان. (۱۳۸۹). *آثار توزیعی خصوصی‌سازی در کشورهای در حال توسعه*. مترجم فرهاد مشتاق‌صفت. انتشارات فرهنگ دهخدا. صص ۸۶-۹۵.
- چانگ، کلودوی. (۱۳۸۷). *خصوصی‌سازی و توسعه؛ نظریه، خط‌مشی و شواهد*. مترجم محمد صفار. انتشارات عترت نو. صص ۱۲۰-۱۳۵.
- رستمی، ولی. (۱۳۹۵). *مالیه عمومی*. چاپ چهارم. انتشارات میزان.
- سلیمانی‌سده‌دهی، مجتبی و داورزنی، هدی. (۱۳۸۹). *خصوصی‌سازی و برون‌سپاری، نمونه‌های موفق و ناموفق*. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی. صص ۲۴-۴۰.

- غفاری، هادی. (۱۳۸۳). بررسی تطبیقی جایگاه و نقش دولت در نظام‌های اقتصادی. شرکت چاپ و نشر بازرگانی. صص ۴۴-۸۰.
- کابلی‌زاده، احمد. (۱۳۸۴). خصوصی‌سازی مردمی: کارایی همراه با عدالت. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. صص ۸-۱۸.
- کمرخانی، ایام. (۱۳۹۲). مسئولیت دولت در حقوق رقابت داخلی و بین‌المللی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته حقوق تجاری اقتصادی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران. صص ۸۸-۹۸.
- لاگلین، مارتین (۱۳۹۱). مبانی حقوق عمومی، ترجمه محمد راسخ. صص ۵۰-۵۹.
- مرکز پژوهش‌های مجلس. (۱۳۷۸). پیش‌نیازهای خصوصی‌سازی. احمد میدری. کد گزارش ۴۴۰۴۵۰۳.
- مرکز پژوهش‌های مجلس. (۱۳۷۸). جایگزین‌ها برای خصوصی‌سازی. احمد میدری. کد گزارش ۲۴۰۴۴۱۹.
- مرکز پژوهش‌های مجلس. (۱۳۷۹). خصوصی‌سازی، مفاهیم و کارکردها. دفتر بررسی‌های اقتصادی، کد گزارش ۲۴۰۵۵۳۷.
- مرکز پژوهش‌های مجلس. (۱۳۸۲). خصوصی‌سازی: مبانی و تجارب. محمدرضا مجلل. صص ۸-۱۵.
- مرکز پژوهش‌های مجلس. (۱۳۸۲). رهنمودهای حقوقی برای برنامه خصوصی‌سازی. مترجم یوسف جمسی. صص ۸-۲۰.
- مگینسون، ویلیام ال. (۱۳۸۸). اقتصاد مالی خصوصی‌سازی. مترجم محمد صفار. انتشارات سازمان خصوصی‌سازی. صص ۸۰-۸۷.
- واعظی، احمد. (۱۳۸۳). عدالت اجتماعی و مسایل آن. فصلنامه علمی- پژوهشی قبسات در حوزه فلسفه دین و کلام جدید، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۱۸۹-۲۰۸.

ب) انگلیسی

- Arakelyan, V. (2005). *Privatization as a Means to Property Redistribution in Republic of Armenia and Russia Federation*. Dissertation of Economic Sciences, University Of Tampere, pp. 35-120
- Blalock, T., Schifberg, B. & Whitehead, Ch. (2012). *Methods of Privatization: Privatization in State Parks, Hospitals, and Prisons*, Presented To the Grafton County Commission, PRS Policy Brief 111-217.
- Cavaliere, A. & Scabrosetti, S. (2006). *Privatization and Efficiency: From Principals and Agents to Political Economy*. Fondazione Eni Enrico Mattei. Retrieved from <http://ssrn.com/abstract=914476/>
- Gupta, N.; Hamm, J. C. & Svenjar, J. (2008). Priorities and Sequencing in Privatization: Evidence from Czech Firm Panel Data. *European Economic Review*, 52(2), pp. 63-80. Retrieved from <http://kelly.iu.edu/>
- Kousadikar, A. & Trivender-Kumar, (2013). Advantages and Disadvantages of Privatization in India. *International Journal of Advanced System and Social Engineering Research*, 3(1), pp. 18-22.